



اقتصاد آب،

حقیقتی دست نیافتنی

آب مقوله‌ای چند وجهی است که در بسیاری از موارد این وجوه مختلف کارکردهای متضاد و متباینی را به همراه دارد. آب از یک طرف به عنوان کالای نهایی مصرفی جایگزینی ندارد و از طرفی دیگر به عنوان یک نهاده اصلی در تولید بسیاری از محصولات نقش دارد. از جنبه‌ای دیگر آب منبع کمیابی است که بر مبنای اصول دانش اقتصاد باید به طور بهینه به فعالیت‌های مختلف تولیدی و مصرفی اختصاص یابد؛ ولی از آنجا که جایگزینی ندارد و استفاده از آن برای ادامه حیات اجتناب‌ناپذیر است، اعمال قواعد و اصول اقتصادی در بکارگیری آن، هم به صورت کالا و هم به شکل نهاده با چالش جدی مواجه است.

قیمت در نظام مبتنی بر بازار، چراغ راهنمایی برای تخصیص بهینه منابع و جیره‌بندی استفاده از کالاهاست. در این نظام، قیمت‌ها میزان بکارگیری نهاده‌ها در تولید کالاهای مختلف را مشخص می‌سازند و مقدار استفاده کالا را نیز توسط هر یک از مصرف‌کنندگان تعیین می‌نماید. از آنجا که تقاضا برای آب به دلایل مختلف از جمله افزایش جمعیت و نیازهای غذایی مترتب بر آن، توسعه شهری و بهبود سطح بهداشت در حال افزایش است و عرضه منابع آبی نیز با محدودیت جدی مواجه می‌باشد، کمیابی منابع آب را به ویژه در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا تشدید کرده است.

با فرض حاکمیت نظام مبتنی بر بازار، اعمال قواعد اقتصادی، تخصیص بهینه منابع آب را به همراه خواهد داشت و سهم مصرف‌کنندگان را از آن مشخص خواهد ساخت. این موضوع در بیان، اقدامی به غایت ارزشمند است؛ چرا که نهایتاً افزایش بهره‌وری استفاده از منابع آب را به همراه دارد. اما عملاً در فرایند زیست انسانی تناقضات جدی را به دنبال خواهد

داشت؛ چرا که اولاً ساز و کار نظام مبتنی بر بازار، عموماً برای نهاده‌ها و محصولات می‌تواند عینیت پیدا کند که مصرف جایگزین‌های آن میسر باشد و یا اینکه عدم مصرف آن‌ها روند زندگی بشری را با اخلال مواجه نسازد. در حالی که این ویژگی‌ها در مورد آب مصداق ندارد. بدون آب ادامه حیات میسر نیست؛ از این روی استناد بر قیمت‌ها در چارچوب نظام مبتنی بر بازار که میزان استفاده از محصولات را مشخص می‌سازد و طبعاً برخی را از مصرف آن محروم می‌سازد در مورد آب مصداق نخواهد داشت؛ چرا که استفاده از آب حق ذاتی تمام انسان‌هاست. ثانیاً از آنجا که آب اصلی‌ترین نهاده‌ای است که در تولید محصولات کشاورزی بکار می‌رود و بدون آب امکان تولید آن‌ها میسر نیست و این محصولات اساسی‌ترین نیاز انسان یعنی غذا را تأمین می‌کنند، نمی‌توان به استناد تخصیص بهینه منابع که رسالت اصلی دانش اقتصاد است، جوامع بشری را از تولید محصولات کشاورزی محروم ساخت.

اگر معیارهای اقتصادی نشأت گرفته از نظام بازار، تخصیص آب به بخش‌های خدمات و صنعت را تخصیص بهینه قلمداد نماید، آیا منطقی خواهد بود کشورها را به تولید محصولات کشاورزی تشویق نکند؟ با پیشرفت روزافزون تکنولوژی طبیعتاً بکارگیری نهاده‌ها از جمله آب در بخش‌های خدمات و در مرحله بعد صنعت منجر به خلق ارزش افزوده بیشتری می‌شود و در نتیجه اولویت تخصیص آب، به این بخش‌ها خواهد بود؛ در حالی که تأمین نیازهای اساسی انسان در حیطه بخش کشاورزی است و این یکی از ایرادات جدی است که بر نظام مبتنی بر بازار وارد می‌باشد که تفکیکی بین نیازهای اولیه و ثانویه بشر قائل نشده است.

اگر چه در جوامع مختلف به ویژه کشورهای پیشرفته در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی خود به طور نظام‌مند حسب میزان دسترسی به منابع و مقادیر مورد نیاز برای مصارف اساسی، معیارهای متقنی را مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌دهند که ضمن رعایت قواعد حاکم بر نظام مبتنی بر بازار، تأمین این نیازها را با اخلال مواجه نسازند.

از نگاه دیگر و با فرض بی‌نقص بودن نظام مبتنی بر بازار، در صورتی می‌توان قواعد حاکم بر این نظام را ملاک تخصیص منابع آبی برای فعالیت‌های اقتصادی

یادداشت کوتاه



کنفرانس اقتصاد آب،

اهداف و ضرورت‌ها

قرار داد که حاکمیت آن بر کل بخش‌های اقتصادی تسری داشته باشد.

در شرایطی که محصولات کشاورزی کارکردی سیاسی دارند و سیاست تثبیت قیمت به اشکال مختلف به منظور رضایت‌مندی شهروندان در فرآیند تولید تا مصرف این محصولات اعمال می‌شود و به بیان دیگر دولت (به معنای عام آن حاکمیت) به طور گسترده و پیچیده‌ای در عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی دخالت می‌کند و

با اهداف دیگری سیاست‌های مداخله‌جویانه خود را بر سایر بخش‌های اقتصادی تداوم می‌دهد و عملاً نظام مبتنی بر بازار را از کارکردهای اصلی خود ساقط ساخته است، تعیین ارزش واقعی آب در فعالیت‌های مختلف بخش‌های اقتصادی کشور از جمله بخش کشاورزی نمی‌تواند رنگی از حقیقت به خود گیرد، هرچند که این به مفهوم نادیده گرفتن معیارهای اقتصادی در تصمیمات مربوط به حوزه آب نمی‌باشد.

مشروعیت بخشی به اختیار و آزادی او را کشف می‌کند و تلاش می‌کند با ارایه‌ی راه‌کارهای استفاده‌ی بهینه از ظرفیت‌ها، گسست میان «ثروت آفرینی و معنا آفرینی» را که نوعاً مفاهیم معارض انگاشته می‌شوند، پر کند و باب همنشینی نقادانه‌ی ماده و معنا را بگشاید و امکان‌هایی تازه برای گفت و گوی اقتصاددانان، مدیران و مهندسان بخش آب کشور را فراهم آورد.

هدف اصلی و نخستین مدیریت آب و راهبردها و برنامه‌های آن، حداکثر ساختن کارآمدی در تولید و عرضه و مصرف آب با رعایت ملاحظات اجتماعی است. تحقق این امر، مستلزم برگزیدن بهترین شیوه‌ی تولید و عرضه‌ی آب و حداکثر ساختن بهره‌وری در مصرف با در نظر داشتن متغیرهای فنی، اقتصادی و زیست محیطی است و ملاحظات اجتماعی، نیازمند توجه به پیامدهای شیوه‌های تخصیص آب بر توزیع درآمد و اقشار آسیب‌پذیر است.

به رغم این واقعیت که آب یک کالای اقتصادی با ویژگی‌های کم‌یابی و عرضه‌ی انحصاری است، استفاده‌ی غیربهینه از آن، اغلب متأثر از استقرار ساز و کارهای غیرمنطقی رخ می‌دهد. هر چند دسترسی به حداقل آب مورد نیاز از حقوق اولیه‌ی انسانی است، اما ضروری است که بین پوشش هزینه‌ها و ارزش آب و حق انسان‌ها برای بهره‌مندی از حداقل آب موردنیاز، تعادل برقرار شود.

وزارت نیرو با درک حساسیت‌ها و تنگناهای مدیریت آب کشور بر آن است تا افزون بر قلمروی مهندسی و سازه‌ای که در قالب مدیریت مهار و عرضه‌ی آب اعمال می‌شود، موضوعات غیرسازه‌ای، همچون اقتصاد

آب اگر چه در چرخه‌ی حیات، تجدید می‌شود، اما منابع آب ثابت‌اند و با افزایش تقاضا، رفته رفته سرعت برداشت این منابع ارزشمند، از سرعت تجدید آن‌ها پیشی می‌گیرد و گویی این منابع، رو به زوال می‌روند. این واقعیت ناخوشایند سبب شده است تا دانش اقتصاد آب، توسعه یابد و در پرتو آن تلقی کم‌یابی و کم‌آبی، جایگزین پربابی و پرآبی شود.

در مدیریت کلان کشور ما، اهمیت اقتصاد آب به تبعیت از کم‌یابی آب، همواره برجسته بوده و خواهد بود، جا دارد به یاد آوریم که در سال ۱۳۳۸ در آیین افتتاح مؤسسه‌ی تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، مرحوم آقای دکتر حسین پیرنیا، نخستین رئیس این مؤسسه در سخنرانی خود چنین گفت: که دو چالش جدی اقتصادی ایران، اقتصاد آب و اقتصاد گندم است. و همچنان که صاحب نظران علم اقتصاد در نوشته‌ها و گفته‌های خود به بیان‌های گوناگون آورده‌اند، هدف اولیه و بنیادین علم اقتصاد، آموزش مهارت‌های کسب پول نیست؛ بلکه تبیین فلسفه‌ای روشن در کنش‌های بشری و نشان دادن درون مایه‌های کردار آدمی است که در داد و ستد و بازار متبلور و باز نموده می‌شود. چنین دانشی به زندگی انسان معنا می‌بخشد و عناصر

حقوق و هنجارسازی‌های بهینه را در گستره‌ی مدیریت تقاضای آب، برجسته و از آن‌ها برای فایق آمدن بر دشواری‌های پیش‌روی و پاسخ‌گویی به نیازهای آبی کشور بهره‌جوید.

در این راستا نخستین کنفرانس ملی اقتصاد آب با هدف هم‌اندیشی و بیان نکته‌نظرها، ایده‌ها و تجربه‌های برآمده از اقتصاد آب کشور، بر آن است تا از این فرصت، برای آگاهی بخشی و بیان تنگناهای آب کشور در عرصه‌ی اقتصادی و کسب رهنمودهای خبرگان و اساتید مبرز دانشگاه برای برون رفت از تنگناها بهره‌جوید.

این کنفرانس، وام‌دار توجه ویژه‌ی وزیر محترم و معاون محترم آب و آبفای وزارت نیرو و به همت شرکت مادر تخصصی مهندسی آب و فاضلاب کشور، شرکت مدیریت منابع آب و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران و با حمایت ۸ دانشگاه معتبر کشور، پژوهشگاه

نیرو، انجمن آب و فاضلاب ایران، مؤسسه‌ی تحقیقات آب و مرکز منطقه‌ای آب شهری به ثمر رسیده است.

طبق برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته تعدادی از مقالات منتخب این کنفرانس برای دبیرخانه نشریه علمی-ترویجی آب و توسعه پایدار ارسال شد و بعد از بازنگری و ارزیابی مجدد این نشریه برای افزایش غنا و رفع نواقص احتمالی مقالات، تعداد ۱۱ مقاله انتخاب و در شماره پیش رو به چاپ رسیده است. در اینجا لازم می‌دانم از همکاری صمیمانه اعضای هیات تحریریه و دست اندرکاران این نشریه تشکر و قدردانی نمایم.

امیدوارم این کنفرانس علمی سرآغازی برای شناسایی ظرفیت‌های بالقوه در مراکز علمی و پژوهشی کشور بوده و زمینه تأمل هر چه بیشتر در مباحث اقتصادی آب را فراهم آورده باشد.

سپاس خداوندی را که، همه چیز از او، و به سوی اوست.